



فیاض صابری، محمد حسن؛ توزنده جانی، حسن؛ ثمری، علی اکبر؛ نجات، حمید (۱۳۹۸). پیش‌بینی پایداری ازدواج بر اساس سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۹ (۲)، ۷۰-۵۶.
DOI: 10.22067/ijap.v9i2.81087

پیش‌بینی پایداری ازدواج بر اساس سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی

محمد حسن فیاض صابری^۱، حسن توزنده جانی^۲، علی اکبر ثمری^۳، حمید نجات^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۷/۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی با پایداری ازدواج با میانجی‌گری هوش هیجانی انجام شد.

روش: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی با مدل تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش متأهلین شهر مشهد در سال ۱۳۹۷ بودند که حداقل ۳ سال از ازدواج آنها گذشته بود. تعداد نمونه پژوهش، طبق جدول مورگان ۳۸۴ نفر مرد و زن متأهل بودند که پس از دریافت فراخوان پیامکی، به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های «شاخص بی‌ثباتی ازدواج ادواردز و همکاران»، «سازگاری زناشویی اسپانیر»، «شاخص احقاق جنسی هالبرت» و «آزمون ۹۰ سؤالی هوش هیجانی بار-آن» استفاده شد. در تجزیه و تحلیل آماری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد تا میزان رابطه دومتغیری بین سازگاری زناشویی، خودابرازی جنسی، هوش هیجانی و پایداری ازدواج بررسی شود. برای برازش مدل و بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها در مدل نظری تحقیق از مدل تحلیل مسیر و برای بررسی نقش میانجی هوش هیجانی، از روش بوت‌استرپ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها نیز از نرم افزارهای SPSS-23 و AMOS-23 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل مسیر و روش بوت‌استرپ نشان داد که پایداری ازدواج بر اساس سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی، با میانجی‌گری هوش هیجانی قابل پیش‌بینی است ($P < 0.05$). بنابراین آموزش زوجها برای افزایش سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی و نیز بالابردن هوش هیجانی می‌تواند پایداری ازدواج را پیش‌بینی کند.

واژه‌های کلیدی: پایداری ازدواج، سازگاری زناشویی، خودابرازی جنسی، هوش هیجانی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران،

fsaberi@gmail.com

۲. دانشیار روانشناسی، گروه روان‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)

H.Toozandehjani@ymail.com

۳. استادیار روانشناسی سلامت، گروه روان‌شناسی، واحد کاشمر، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران

۴. استادیار روانشناسی، گروه روان‌شناسی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران

مقدمه

ازدواج به عنوان موهبتی بزرگ و مهمترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی که از گذشته مورد تاکید بوده است، نیازهای عاطفی و ایمنی افراد بزرگسال و بقای نسل بشر را حفظ می‌کند. از این رو، روابط زناشویی پایدار و رضایت‌بخش فراهم کننده نتایج مثبت بسیار مانند سلامت روانی مثبت، سلامت جسمی و رشد، برای اعضای خانواده و فراهم شدن محیطی مناسب برای رشد کودکان و ارتقاء رشد و سلامتی سایر اعضای خانواده است (Michalitsianis, 2014). درمقابل، تعارضات زناشویی و جدایی زن و شوهر، تهدیدهایی جدی برای واحد خانواده هستند که باعث به چالش کشیدن ثبات و کیفیت ازدواج شده و پیامدهای منفی روانی، بدنی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد که از جمله این پیامدها می‌توان به اثر منفی بر بدن و سلامت جسمانی، افسردگی و بهره‌وری پایین در کار برای بزرگسالان و عواقب منفی شدید برای فرزندان را نام برد (Mohsenzadeh, Nazari & Arefi, 2011). براین اساس، پایداری ازدواج^۱ موضوع مهمی است که در هر ازدواج باید به آن توجه داشت. چرا که شناسایی عوامل آن باعث کاهش طلاق و افزایش رضایت، پایداری و دوام در ازدواج خواهد بود (Nimtz, 2011).

یکی از مهم‌ترین عواملی که بر ثبات، دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، سازگاری زناشویی^۲ است (Gottman, 2015). گریف و برونی (Greef & Bruyne, 2000) به نقل از طاهری راد (Taherirad, 2009) معتقدند که زوجین سازگار، در زمینه وقت و مسائل مالی خود، با هم توافق زیادی دارند. بنابراین ناسازگاری زناشویی به معنای نارضایتی و عدم توافق در تصمیم‌گیری‌ها و نیز عدم احساس خوشبختی است و بیش از هر موضوع دیگری باعث مراجعه برای دریافت خدمات بهداشتی و روانی می‌شود (Salimi et al., 2015). نتایج تحقیق افتخاری و احمدی (Eftekhari & Ahmadi, 2018) نیز نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین استحکام خانواده اصلی، تمایز یافتگی، تعهد زناشویی و مسئولیت‌پذیری با رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی وجود دارد.

عامل دیگر که نقش زیادی در از هم پاشیدن ازدواج‌ها دارد، عدم رضایت جنسی است (Gottman, 1994). خودابرازی^۳ که به معنی «توانایی بیان احساسات، افکار و باورها و دفاع از حقوق خود به روشهای منطقی» است، دارای سه بعد قدرت بیان احساسات؛ قدرت بیان واضح باورها و افکار خوب و بد و اخذ تصمیم محکم و روشن، قدرت ایستادگی تا احقاق حقوق خود و عدم اجازه به دیگران برای آزار رساندن

1. Marriage Stability
2. Marital Adjustment
3. Self Disclosure

و یا سوء استفاده از نقطه ضعف شخصی فرد است (Cited by Bahrami et al., 2013, Masters & Johnson, 1970). بدیهی است بیان نکردن احساسات و هیجانها، در بسیاری از موارد باعث تداوم مشکل جنسی به مدت بسیار طولانی می‌شود (Cited by Bahrami et al., Whestheimer & Loparter, 2005, 2013). قیصری و کریمیان (Gheysari & Karimian, 2013) در پژوهشی بر رابطه نارضایتی از رابطه جنسی با نفرت از همسر، دلخوری، حسادت، احساس تحقیر، رقابت، حس انتقام‌گیری و احساس عدم اعتماد به نفس؛ و موسوی (Musavi, 2014) بر نقش رضایت از رابطه جنسی با پیوند عاطفی و شادمانی و رضایت زناشویی؛ و محتشمی و رحمتی (Mohtashami & Rahmati, 2016) بر رابطه معکوس معنی‌دار بین «احقاق جنسی» و «بی‌ثباتی ازدواج» تأکید داشته‌اند. لافرانس (La France, 2019) بر پیامدهای مثبت پیش‌بینی شده در روابط جنسی با خودابرازی جنسی بالا، تعارض جنسی محدود و سازگاری جنسی؛ و ریچاردز (Richards, 2016) بر ارتباط معنی‌داری بین خودابرازی جنسی همسر، رضایت جنسی همسر (شریک جنسی) و رضایت جنسی خود فرد؛ و رحمان، رلینی و فالیز (Rehman, Rellini & faliz, 2011) بر نقش خودابرازی جنسی در حصول رضایت جنسی و عملکرد جنسی در روابط متعهدانه؛ و تحقیق دیگری بر همبستگی معنی‌دار بین خودابرازی جنسی با رضایت جنسی و عملکرد جنسی (برای زنان و مردان) تأکید داشته‌اند (Shahvari, Abbasspur & Amanollahi, 2015).

سومین عامل تأثیرگذار در کیفیت و دوام روابط زناشویی، هوش هیجانی است. به نظر گلמן (Goleman, 1990) هوش هیجانی رمز بقای ازدواج است. به عبارت دیگر نحوه گفتگو درخصوص موضوعات مهم زندگی، اهمیت زیادی در فرجام ازدواج دارد، چرا که توافق زن و شوهر حتی درباره چگونگی مخالفت کردن با هم، راز ماندگاری ازدواج است. در این خصوص، پژوهش‌شات و همکاران (Shutt et al., 2001) مشخص کرد که افراد با هوش هیجانی بالا، نمرات بیشتری را در همدلی، خودبازبینی و داشتن خودکنترلی در موقعیتهای مختلف اجتماعی به‌دست آورده‌اند و در ارتباط با همسر خود روابط نزدیکتر و محبت‌آمیزتر داشته و در نتیجه رضایت زناشویی بیشتری را تجربه نموده‌اند (Dokanei et al., 2015). نتیجه تحقیق قمری و بیجاری و احدی (Ghamari, Bijari & Ahadi, 2018) رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری زناشویی را به طور مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. تحقیق حفیظ، سهرابی و سامانی (Hafiz, Sohrabi & Samani, 2013) نیز بر رابطه معنی‌دار بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی و رابطه معنی‌دار منفی، بین سازگاری زناشویی و تعارضات زناشویی و همچنین پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس هوش هیجانی تأکید داشته است. پژوهشهای گاتمن، چان، سیاروچی و کاپوتی (Gottman, Chan,)

Ciarrochi & Caputi, 1994) مؤید رابطه کیفیت عواطف و احساسات همسران به یکدیگر و نحوه بروز هیجان‌اتشان، با آینده روابط آنها؛ و تحقیقات گلمن (Goleman, 2001) بر نقش تبادل هیجان‌ات و درک هیجان‌ات بین همسران در ایجاد صمیمیت و نیز سلامت زندگی مشترک اشاره کرده است. پژوهش چیکش، شینسک و ماریچ (Čikeš, Šincek, & Marić, 2018) در کرواسی وجود رابطه معنادار مثبت بین هوش هیجانی و کیفیت زناشویی و ورما (Verma, 2015) در هند وجود رابطه بین هوش هیجانی و وضعیت زناشویی زوجین را بررسی و نشان داد که بین پایداری زناشویی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. المناهی (Almunahi, 2018) نیز تحقیقی را برای بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر افزایش سازگاری زناشویی در میان زنان ریاض انجام داد که یافته‌های تحقیق، فرضیه او را تأیید کرد.

با توجه به جستجوهای انجام شده، تحقیقات گذشته بیشتر بر ناپایداری ازدواج و احتمال طلاق تمرکز داشته‌اند و در جستجوهای پیشینه تحقیق (چه داخلی و چه خارجی) کمتر پژوهشی دیده شد که با رویکرد روانشناسی سلامت و با دید مثبت به موضوع نگریسته و به دنبال کشف عوامل پایداری ازدواج باشد؛ لذا با توجه به خلاء پژوهشی در این زمینه و با عنایت به اهمیت ازدواج و حفظ پایداری آن، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان پایداری ازدواج را بر اساس سازگاری زناشویی، خودابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی پیش‌بینی کرد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی با مدل تحلیل مسیر بود. جامعه آماری این پژوهش متأهلین شهر مشهد بودند. نمونه پژوهش، طبق جدول مورگان ۳۸۴ نفر مرد و زن متأهل بودند که پس از دریافت فراخوان پیامکی، به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند. شرط ورود به پژوهش عبارت بود از اینکه متأهل باشند، حداقل ۳ سال از ازدواج آنها گذشته باشد، معتاد به مواد مخدر یا الکل نباشند، داروی روانپزشکی خاص مصرف نکنند، روانشناس یا مشاور نباشند و تا لحظه پرکردن پرسشنامه، مشاوره روانشناختی در خصوص ازدواج و خانواده دریافت نکرده باشند. اجرای پژوهش با همکاری ۱۰ نفر از همکاران روانشناس دارای مدرک کارشناسی ارشد انجام شد. متن پیامک فراخوان به شرح زیر بود: «آقا/خانم گرامی سلام. پژوهشی علمی در زمینه ازدواج در حال انجام است. چنانچه متأهل هستید (با حداقل ۳ سال ازدواج) و مایل به شرکت در پژوهش هستید لطفاً «بله» را به همین شماره ارسال فرمایید». این پیامک از طریق پتل پیامکی نرم افزاری (از طریق شرکتهای تبلیغاتی پیامکی) به ۱۵۰۰۰ نفر ساکنین مناطق ۱ و ۲ و

۱۱ و ۹ شهرداری مشهد به صورت تصادفی ارسال شد (این ۴ منطقه نیز از میان ۱۳ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند). پس از دریافت پیامک داوطلبین (۶۲۳ نفر)، همکاران مجری با آنها تماس گرفته و توضیحات تکمیلی را به صورت تلفنی به آنها دادند و افرادی را که واجد شرایط تحقیق بودند (۵۸۰ نفر) برای انجام تحقیق و پرکردن پرسشنامه‌ها به محل کار خود یا همکار دیگر (با انتخاب داوطلب) دعوت کردند. تعدادی از داوطلبین مراجعه نکردند و برخی پرسشنامه‌ها نیز ناقص پر شدند که از تحقیق خارج شدند. نهایتاً تعداد ۴۳۳ پرسشنامه تکمیل شده بود که تعداد ۴۹ مورد به صورت تصادفی از تحقیق خارج شدند و تعداد ۳۸۴ مورد در تحقیق شرکت داده شد.

ملاحظات اخلاقی با حساسیت ویژه‌ای در پژوهش رعایت شد و با توجه به اینکه پرسشنامه‌ها در مورد روابط خصوصی زناشویی بود و این موضوع در فرهنگ ایران (مخصوصاً شهر مذهبی مشهد) جزء تابوهای فرهنگی است، به شرکت‌کنندگان در تحقیق، اطمینان کامل داده شد که اطلاعات پرسشنامه‌ها به طور محرمانه نزد محقق خواهد بود (ضمن اینکه پرسشنامه‌ها بی‌نام بود)؛ همچنین مختار بودن شرکت‌کنندگان برای انصراف از پرکردن پرسشنامه‌ها در هر مرحله از آن گوشزد شد. برای انجام پژوهش از چند تن از روانشناسان خانم کمک گرفته شد.

برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

- ۱) **پایداری ازدواج:** از پرسشنامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج^۱ ادواردز^۲ و همکاران (۱۹۸۳) استفاده شد. نمره فرد حاصل تفاضل نمره حاصل از پاسخ به پرسشنامه از ۱۰۰ است؛ یعنی اگر پاسخ، ۴۳ شد (۴۳ درصد احتمال طلاق)، آنگاه پایداری ازدواج ۵۷ خواهد شد. اعتبار این آزمون با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است. یاری‌پور (Yaripur, 2000) نیز در پژوهش خود، به روش دو نیمه کردن ضریب اعتبار این ابزار را محاسبه کرده است که ضریب اعتبار برای گروه آزمایش 0.82 و برای گروه گواه $F_{11}=0.61$ و برای کل آزمودنیها $F_{11}=0.70$ به دست آمد (Sanayi, 2017).
- ۲) **سازگاری زناشویی:** برای این متغیر از پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۶) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۳۲ سؤال برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن یا شوهر یا هر دوی آنها است که با هم زندگی می‌کنند. هرچه نمره فرد از این پرسشنامه بیشتر باشد بیانگر سازگاری بیشتر زناشویی فرد است. این پرسشنامه دارای چهار خرده‌مقیاس است که عبارت است از: رضایت دونفری، همستگی دونفره، توافق دونفره و ابراز محبت. ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل ۰/۹۶ و برای خرده‌مقیاسها

1. Marriage Instability Index (MMI)

2. John N. Edwards, David R. Johnson, and Alan Booth

در رضایت دونفری ۰/۹۴، همبستگی دونفری ۰/۸۱، توافق دونفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۸۳ گزارش شده است. در پژوهش ملازاده، منصور، اژه‌ای و کیامنش (Mollazadeh, Mansur, Ejeii & Kiamanesh, 2002) همسانی درونی این آزمون ۰/۹۵ به دست آمد (Sanayi, 2017).

۳) **خودابرازی جنسی:** برای این متغیر از شاخص احقاق جنسی هالبرت (۱۹۹۲) استفاده شد که شامل ۲۵ سؤال در طیف لیکرت و ارزش گزینه‌ها به ترتیب از «همیشه»=۰ تا «هرگز»=۴ است. سؤالهای ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات آزمون از ۰ تا ۱۰۰ و نمره بیشتر نشانه احقاق جنسی زیاد است. اعتبار این آزمون توسط دیوید فارلی ۰/۸۶ به دست آمد. در اجرای شفيعی (Shafiee, 2005) روی ۴۰ دانشجوی زن متأهل ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ بود. اجرای مجدد آن توسط بای (Bay, 2008) بر روی ۱۵ زن تحصیل کرده متأهل ضریب آلفای کل آزمون ۰/۹۵ به دست آمد (Sanayi, 2017). لازم به ذکر است که کلمه «احقاق» و «خودابرازی» در موضوع جنسی یک مفهوم را می‌رساند و به همین خاطر در پرسشنامه هالبرت، واژه «assertiveness»، «احقاق» ترجمه شده است که معادل رایج «خودابرازی» است (Sanayi, 2017).

۴) **هوش هیجانی:** نمره حاصل از آزمون ۹۰ سؤالی هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۸). در طیف لیکرت با مقیاس ۵ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. گزینه‌ها عبارتند از «کاملاً موافق»=۵، «موافق»=۴، «تاحدودی»=۳، «مخالف»=۲ و «کاملاً مخالف»=۱. اعتبار پانزده خرده مقیاس توسط بار-آن (۱۹۹۷-۱۹۹۹) با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۶ با میانگین ۰/۷۶ تعیین شده است. نتایج بازآزمایی پس از یک ماه نیز بیانگر ضریب ۰/۸۵ و پس از چهار ماه ۰/۷۵ بوده است. همچنین برای بررسی روایی پرسشنامه، ضریب همبستگی نمره‌های حاصل از این پرسشنامه با سایر پرسشنامه‌های معتبر هوش هیجانی محاسبه شده که نشان‌دهنده روایی قابل قبول برای پرسشنامه است (Cited by Mokhberiannejad, 2007). مخبریان‌نژاد (Mokhberiannejad, 2007) با هنجاریابی این پرسشنامه بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، ضریب اعتبار کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آورده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد برای توصیف متغیرهای مورد مطالعه استفاده شد و از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی میزان رابطه دومتغیری بین سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی و هوش هیجانی و پایداری ازدواج و برای برازش مدل و بررسی

اثرات مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها در مدل نظری تحقیق از مدل تحلیل مسیر و برای بررسی نقش میانجی هوش هیجانی، از روش بوت استراپ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم افزار SPSS-23 و AMOS-23 استفاده شد.

یافته‌ها

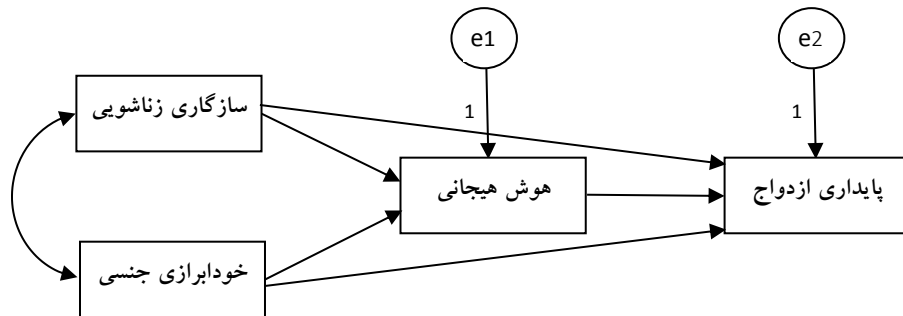
نمونه مورد مطالعه شامل ۳۸۴ نفر بود که، ۱۹۳ زن و ۱۹۱ مرد در نمونه حاضر بودند. میانگین سن گروه نمونه ۳۱/۷ سال با پراکندگی ۴/۳ واحد انحراف معیار بود. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی نمرات متغیرهای مورد مطالعه قید شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی نمرات متغیرهای مورد مطالعه

معناداری	مستقل آزمون	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	متغیر
۰/۰۰۱	۶/۰۴**	۲۹/۵	۱۰۴/۷	زن	سازگاری زناشویی
		۱۳/۴	۱۱۸/۹	مرد	
		۲۴	۱۱۱/۸	کل	
۰/۰۰۱	۵/۰۷**	۲۰	۵۵/۸	زن	خود ابرازی جنسی
		۱۱/۱	۶۴/۲	مرد	
		۱۶/۷	۶۰	کل	
۰/۰۰۱	۴/۷۶**	۱۵/۱	۳۰۷/۹	زن	هوش هیجانی
			۳۱۷/۹	مرد	
		۲۱/۱	۳۱۲/۹	کل	
۰/۰۰۱	۱۴/۸۸**	۹/۶	۸۵/۳	زن	پایداری ازدواج
		۳/۸	۹۶/۵	مرد	
		۹/۲	۹۰/۹	کل	

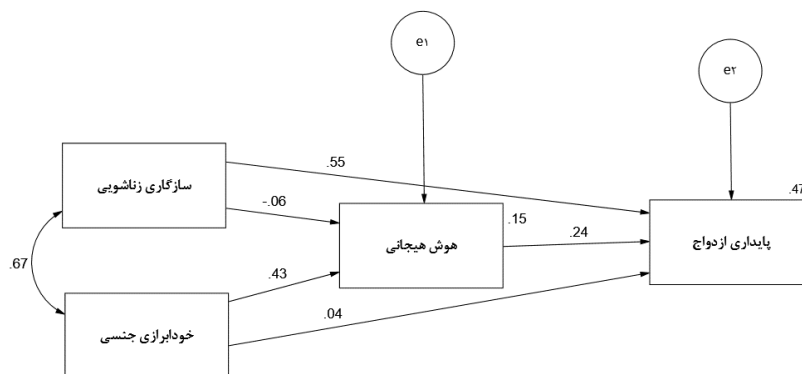
با توجه به جدول ۱، در هر چهار متغیر سازگاری زناشویی، خود ابرازی جنسی، هوش هیجانی و پایداری ازدواج، میانگین مردان به میزان معناداری بیش از زنان است.

برای بررسی سؤال اصلی پژوهش از مدل‌یابی تحلیل مسیر استفاده شد و پیش از این کار، برای اطمینان از رعایت پیش‌فرض‌های این روش (اعم از وجود همبستگی معنادار بین متغیرها، کفایت حجم نمونه و نبود داده‌های پرت) بررسی لازم انجام گرفت و همگی موارد مورد تأیید قرار گرفت. جهت برازش مدل از تحلیل مسیر استفاده شد. در این مرحله، شاخص‌های مورد نظر براون و کلاین، مورد بررسی قرار گرفت.



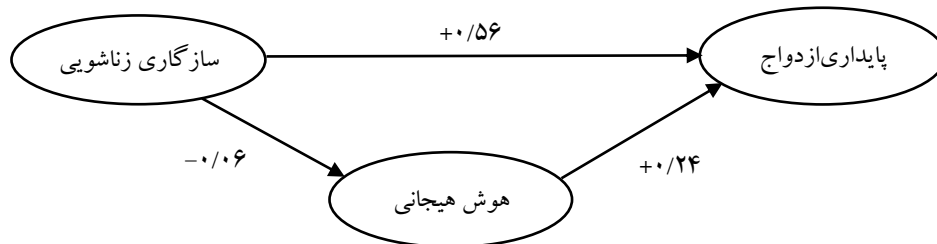
شکل ۱: مدل نظری روابط ساختاری بین متغیرها

شکل ۱، مدل تدوین شده روابط ساختاری بین متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. معمولاً مدل اولیه، برازش ضعیفی دارد و نیاز به اصلاح دارد. برای بررسی برازش مدل، شاخص‌ها و ملاک‌های مختلف و متفاوتی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. در این پژوهش، بر اساس نظر براون (Brown, 2006)، سه نوع شاخص برازش مطلق (CMIN)، تطبیقی (CFI و IFI) و مقتصد (RMSEA)، و نیز شاخص مقتصد از نظر کلاین (Klein, 2005)، مورد بررسی قرار گرفت (Herington, 2012). مقدار شاخص برازش مطلق کای‌اسکوئر (CMIN)، برابر با ۰/۰۷ که معنی‌دار نبود. مقدار شاخص‌های برازش تطبیقی برای CFI، برابر با ۱ (حداکثر مقدار) و برای شاخص IFI، ۱ (حداکثر مقدار) بود. همچنین، مقدار شاخص‌های مقتصد برای RMSEA، ۰/۰۴۲ (حداقل مقدار) و برای شاخص CMIN/DF، ۰/۰۷ می‌باشد. با توجه به موارد بیان شده و مقایسه شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده با مدل اولیه، مشهود است که در شاخص‌های برازش، بهبود بسیار زیادی به دست آمده و طبق ملاک‌های براون و کلاین، مدل اصلاح شده این پژوهش، دارای برازش بسیار عالی و مطلوب با داده‌ها است.



شکل ۲: مدل تحلیل مسیر و ضرایب مسیر

شکل ۲، ضرایب مسیر اصلاح شده را نشان می‌دهد. با توجه به برازش مدل می‌توان گفت، پایداری ازدواج بر اساس سازگاری زناشویی و خود ابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی قابل پیش‌بینی است. در ادامه، ضرایب مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر پایداری ازدواج ارائه شده است. برای بررسی نقش میانجی هوش هیجانی از روش بوت استراپ استفاده شده است.

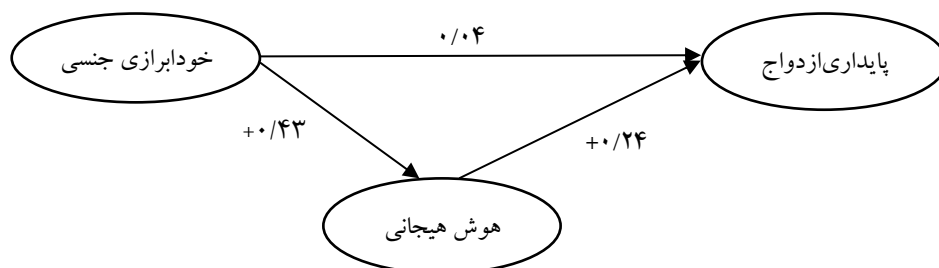


شکل ۳: اثر مستقیم و غیرمستقیم (به واسطه هوش هیجانی) سازگاری بر پایداری ازدواج. شکل ۳ ضرایب مسیر بین متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد که در جدول ۴ گزارش و تفسیر شده است.

جدول ۴: اثر مستقیم و غیرمستقیم سازگاری بر پایداری ازدواج

معناداری	وزن استاندارد	مسیر
۰/۵۷۳	-۰/۰۶	سازگاری ← هوش هیجانی
۰/۰۰۰	۰/۵۶**	سازگاری ← پایداری ازدواج
۰/۵۳۷	-۰/۰۱	سازگاری ← هوش هیجانی ← پایداری ازدواج

با توجه به نتایج جدول ۴، سازگاری بر پایداری ازدواج تاثیر مستقیم مثبت معناداری دارد. یعنی هرچه میزان سازگاری زناشویی بیشتر باشد، پایداری ازدواج نیز بالاتر است. نتایج آزمون بوت استراپ نشان می‌دهد، سازگاری به واسطه هوش هیجانی بر پایداری ازدواج تاثیر غیرمستقیم ندارد. به عبارت دیگر، هوش هیجانی در رابطه بین سازگاری و پایداری ازدواج نقش میانجی ندارد.



شکل ۴: اثر مستقیم و غیرمستقیم (به واسطه هوش هیجانی) خودابرازی جنسی بر پایداری ازدواج

شکل ۴ ضرایب مسیر بین متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد که در جدول ۵ گزارش و تفسیر شده است.

جدول ۵: اثر مستقیم و غیرمستقیم خودابرازی جنسی بر پایداری ازدواج

مسیر	وزن استاندارد	معناداری
خودابرازی ← هوش هیجانی	۰/۴۳**	۰/۰۰۱
خودابرازی ← پایداری ازدواج	۰/۰۶	۰/۴۲۱
خودابرازی ← هوش هیجانی ← پایداری ازدواج	۰/۱۰**	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول ۵، خودابرازی بر پایداری ازدواج تاثیر مستقیم معناداری ندارد. اما نتایج آزمون بوت استرپ نشان می‌دهد، خودابرازی جنسی به واسطه هوش هیجانی بر پایداری ازدواج تاثیر غیرمستقیم مثبت دارد. به عبارت دیگر، هوش هیجانی در رابطه بین خودابرازی جنسی و پایداری ازدواج نقش میانجی دارد.

جدول ۶: اثر مستقیم هوش هیجانی بر پایداری ازدواج

مسیر	وزن استاندارد	معناداری
هوش هیجانی ← پایداری ازدواج	۰/۲۴**	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول ۶، هوش هیجانی بر پایداری ازدواج تاثیر مثبت معنادار دارد. یعنی هرچه هوش هیجانی بیشتر باشد، پایداری ازدواج نیز بالاتر است.

جدول ۷: خلاصه اثرات مستقیم و غیرمستقیم سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی بر پایداری ازدواج

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم
سازگاری زناشویی	۰/۵۶**	-۰/۰۱
خودابرازی جنسی	۰/۰۴	۰/۱۰**

با توجه به نتایج جدول ۷ سازگاری زناشویی تاثیر مستقیم معناداری بر پایداری ازدواج دارد و خودابرازی جنسی به واسطه هوش هیجانی، تاثیر غیر مستقیم بر پایداری ازدواج دارد.

نتیجه

هدف از پژوهش، بررسی رابطه پایداری در ازدواج با سازگاری زناشویی و خودابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی بود. براساس یافته‌های به دست آمده، سازگاری بر پایداری ازدواج تاثیر مستقیم مثبت معناداری دارد. یعنی هرچه میزان سازگاری زناشویی بیشتر باشد، پایداری ازدواج نیز بالاتر است. با این حال، سازگاری زناشویی به صورت غیر مستقیم (یعنی به واسطه هوش هیجانی) بر پایداری ازدواج تاثیر

ندارد. این نتیجه با تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با مفهوم سازگاری در مطالعات حفیظ، سهرابی و سامانی که رابطه هوش هیجانی و سازگاری زناشویی را با تعارضات زناشویی بررسی کردند (Hafiz, Sohrabi & Samani, 2013)، رحیم‌پور، افتخاری و احمدی که نقش عوامل استحکام خانواده اصلی، تمایز یافتگی، تعهد و مسئولیت‌پذیری در رضایت و سازگاری زناشویی زوجین را پژوهش کردند (Rahimpour, Eftekhari & Ahmadi, 2018) و نیز مطالعات گریف و برونی در خصوص زوج‌های سازگار (Greef & Bruyne, 2000) همسو است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که برخی مؤلفه‌های هوش هیجانی مرتبط با سازگاری با نمره کل آزمون که در پژوهش حاضر از آن استفاده شده همبستگی کمتری دارد، بنابراین نتوانسته است ارتباط بین سازگاری زناشویی و پایداری در ازدواج را متأثر سازد و این مطلب را تحقیق دوکانه‌ای، بهودی و خیاط‌نظام (Dokaneii Fard, Behboudi & Khayat Nezam, 2010) که در تحقیق آنها مؤلفه روابط درون فردی کمترین میزان همبستگی را با سازگاری زناشویی دارد و تحقیق یارمحمدیان، بنکدارهاشمی و عسگری (Yarmohammadian, Bonakdar Hashemi & Asgari, 2011) که مؤلفه «همبستگی دونفره» از سازگاری زناشویی با هوش هیجانی همبستگی معناداری ندارد و تحقیق تیرگری و همکاران (Tirgari, A., et al., 2004) که طی آن رابطه معناداری بین هوش هیجانی همسران ناسازگار و رضایتمندی زناشویی آنها یافت نشد، گواه هستند.

همچنین نتایج نشان داد که خودابرازی جنسی به واسطه هوش هیجانی بر پایداری ازدواج تأثیر غیرمستقیم مثبت دارد. به عبارت دیگر، هوش هیجانی در رابطه بین خودابرازی جنسی و پایداری ازدواج نقش میانجی دارد؛ به طوری که با افزایش هوش هیجانی اثر خودابرازی جنسی بر پایداری ازدواج نیز افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با مطالعات مبتنی بر مفهوم خودابرازی جنسی به عنوان محوری‌ترین مؤلفه پیش‌بینی الگوی پایداری ازدواج، از جمله مطالعه محتشمی و رحمتی که رابطه بین احقاق جنسی و پایداری ازدواج را بررسی کردند (Mohtashami & Rahmati, 2016)، رحمان، رلینی و فالیز که نقش و اهمیت خودابرازی جنسی را در حصول رضایت جنسی و عملکرد جنسی در روابط متعهدانه بررسی کردند (Rehman, Rellini & faliz, 2011)، ریچاردز که نقش خودابرازی جنسی در رضایت زناشویی را تحقیق کرد (Richards, 2016) و لافرانس که تأثیر خودابرازی جنسی، سازگاری جنسی و تعارض جنسی را بر پیامدهای پیش‌بینی شده در روابط جنسی بررسی کرد (La France, 2019) همسو است. اثبات نقش میانجی‌گرایانه هوش هیجانی در رابطه بین خودابرازی جنسی و پایداری ازدواج نیز با نتایج پژوهش قیصری و کریمیان که رابطه نارضایتی جنسی را با مشکلات عمیقی در روابط زوجی بررسی کردند (Gheysari & Karimian, 2013)، همسو است.

در آخر، براساس یافته‌ها، تأثیر مثبت معنی‌دار هوش هیجانی بر پایداری ازدواج، نشانه تأیید بزرگی بر مدعای گلمن (Goleman, 1991) است که هوش هیجانی را رمز بقای ازدواج می‌داند؛ همچنین، تأکید مجددی بر صحت نتایج و تبیین‌های به‌دست آمده درخصوص ارزش ویژه مفهوم «هوش هیجانی» است. نتایج مطالعات شات و همکاران (Shutt et al., 2001)، گاتمن (Gottman, 2015)، نیز بر این ارزش ویژه صحنه گذاشته است. این معناداری تأثیر هوش هیجانی بر پایداری ازدواج با تحقیقات قمری و بیجاری و احدی که ارتباط بین آگاهی هیجانی و ثبات ازدواج زوجین (با تمرکز بر نقش تعدیل‌کننده سبک‌های حل تعارض و راهبردهای حفظ رابطه) را بررسی کردند (Ghamari, Bijari & Ahadi, 2018)، و رما که رابطه بین هوش هیجانی و پایداری زناشویی را بررسی کرد (Verma, 2015) و چیکش، شینسک و ماریچ که رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت زناشویی را بررسی کردند (Čikeš, Šincek, & Marić, 2018) نیز همسو است. در مجموع نتایج نشان می‌دهد پایداری ازدواج بر اساس سازگاری زناشویی (به طور مستقیم) و خود ابرازی جنسی با میانجی‌گری هوش هیجانی (یعنی غیرمستقیم) قابل پیش‌بینی است و براین اساس می‌توان طرحی پیشگیرانه و با رویکرد سلامت‌محور تدوین نمود تا باعث پایداری بیشتر روابط زناشویی شود و همچنین با ارائه طرح مداخله‌ای، می‌توان گامی در جهت برگرداندن روابط زناشویی متزلزل به وضعیت پایدار برداشت.

هر پژوهشی محدودیت‌های خاص خود را دارد، در این پژوهش یکی از محدودیت‌ها روش آن است که به دلیل ماهیت همبستگی، علیت و جهت واقعی آن را مشخص نمی‌کند. محدودیت دیگر این است که به دلیل مقطعی بودن و نیز عدم امکان نمونه‌گیری تصادفی قابلیت تعمیم نتایج کاهش می‌یابد. از طرفی امکان تحقیق بر روی افرادی که همکاری نکردند یا به پیامک فراهخوان پاسخ ندادند نبود. لذا این سوگیری در اجرا وجود داشته که تحقیق فقط روی نمونه‌های داوطلب و همکاری‌کننده انجام شده است. همچنین امکان کنترل کلیه متغیرهای ناخواسته وجود ندارد، ضمن اینکه تعداد زیاد سوالات پرسشنامه‌ها ممکن است بر دقت و انگیزش آزمودنی‌ها اثر گذاشته باشد.

برای رفع محدودیت‌های مذکور، پیشنهاد می‌گردد از سایر روش‌های پژوهشی که هم قابلیت تعمیم نتایج را داشته و هم رابطه علی را نشان دهد استفاده شود؛ همچنین از پرسشنامه‌های استاندارد شده کوتاه‌تر که از روایی و پایایی بالایی برخوردار باشند استفاده شود؛ به علاوه اینکه سطح انگیزش آزمودنی‌ها با عوامل تقویت‌کننده بالا برده شود تا نتایج دقیق‌تری حاصل شود.

در پایان از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور و نیز کسانی که در انجام این

پژوهش از کمک خویش دریغ نکردند قدردانی می‌شود.

References

- Aliakbari Dehkordi, M., Heydarinasab, L., Kighobadi, S. (2013). Relationship of sexual function with marital adjustment in married women. *Clinical and Personality Psychology of Daneshvar Raftar*, 8: 20. (In Persian)
- Almunahi, A. A. (2018). Effectiveness of a Counseling Program Based on the Development of Emotional Intelligence in Improving Marital Compatibility among Married Women in Riyadh. *Journal of Educational & Psychological Sciences*, 19(02): 13-45.
- Bahrami, H. et al. (2013). Performance and sexual self-disclosure in unconsummated marriage couples. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 19:2. (In Persian)
- Bar-On, R. (2000). Emotional and social intelligence: Insights from the Emotional
- Bar-On, R., & Parker, J. D. A. (2006). Handbook of emotional intelligence. San Francisco: Jossey-Boss.
- Čikeš, A. B., Šincek, D., & Marić, D. (2018). Emotional intelligence and marital quality: Dyadic data on Croatian sample. *Studia psychologica*, 60(2), 108-122.
- Dokaneii Fard, F., Behboudi, M. & Khayat Nezam, M. (2010). Investigating the Contribution of Each of the Emotional Intelligence Components to the Predicting Marital Satisfaction of Married High School Teachers in Ilam. *Journal of Educational Management Research*, 5. (In Persian)
- Dokaneii, F. et al. (2015). The Relationship between Emotional Intelligence and Marital Satisfaction among Married Students of Islamic Azad University of Tehran South Branch. *Quarterly Counseling and Psychotherapy*, 4, 14. (In Persian)
- Eftekhari, N. & Ahmadi, K. (2018). Determining the role of factors of main family strength, differentiation, commitment and responsibility in marital satisfaction and marital adjustment. Master Thesis. Tehran University of Science and Culture. (In Persian)
- Faryabi, Z., Zareii Mahmoodabadi, H. (2015). Comparative Study of Marital Adaptation, Happiness and Divorce Inclination in Traditional and non Traditional Marriages. *Toloo-e Behdasht*, 14, 51 (3). (In Persian)
- Ghamari, R., Farah Bijari, A. & Ahadi, B. (2018). The relationship between emotional awareness and marital couples' stability, focusing on the role of moderating conflict resolution styles and strategies for maintaining the relationship. Master Thesis. Al-Zahra University (S). (In Persian)
- Gheysari, S. & Karimian, N. (2013). Evaluation of the causal model of sexual satisfaction based on marital quality, relationship satisfactory, sexual anxiety, sexual self-disclosure, and intercourse frequency in female married university students in Bandar Abbas. *Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy*, 5, 4: 116-120. (In Persian)
- Goleman, D. & Cherniss, C. (2001). The emotional intelligence workplace. How to select for measure and improve emotional intelligence in individuals, groups, and organizations/San Francisco: Jossey-Bass.
- Goleman, D. (1996). Emotional intelligence. Why it can matter more than IQ. *Learning*, 24(6), 49-50.
- Goleman, D. (2015). Emotional intelligence. Why it can matter more than IQ. Translation:

- Parsa, N. (2015). Tehran: Roshd. (In Persian)
- Gottman, J., Gottman, J. M., & Silver, N. (1995). Why marriages succeed or fail: And how you can make yours last. Simon and Schuster.
- Hafiz, F., Sohrabi, N. & Samani, S. (2013). The Relationship between Emotional Intelligence and adjustment with marital conflict. Master Thesis. Faculty of Education and Psychology. The Islamic Azad University of Marvdasht Branch. (In Persian)
- Knox, D., & Schacht, C. (2010). Choices in relationships: An introduction to marriage and the family, 1-42.
- Kraskian, A. (2010). Bar-On Emotional Intelligence Scale. *Psychological Instruments*, 5, 3(60). (In Persian)
- Michalitsianos, N. (2014). Resiliency: A resource for promoting marriage satisfaction (Doctoral dissertation, Kean University).
- Mohsenzade, F., Nazari, A.M. & Arefi, M. (2011). A qualitative study of dissatisfaction factors and divorce cases (Case study: Kermanshah city). *Women's Strategic Studies*, 14:53. (In Persian)
- Mohtashami, S. & Rahmati, A. (2016). Predicting marital instability based on sexual function and sexual self-disclosure in married women. Master Thesis. Faculty of Literature and Humanities. Shahid Bahonar University of Kerman. (In Persian)
- Nimtz, Mark A. (2011). Satisfaction and Contributing Factors in Satisfying Long-Term Marriage: A Phenomenological Study. Unpublished doctoral dissertation, Liberty University.
- Quotient Inventory (EQ-i). In R. Bar-On and J. D. A. Parker (Eds.), Handbook of
- Salimi, H. et al. (2016). Marital adjustment prediction based on decision making and problem-solving, family cohesion, coping strategies, communication skills, and religious beliefs. *The growth of psychology*, 5: 14. (In Persian)
- Sanayi, B. (2017). Family & Marriage Scales. Tehran: Besat Publisher. (In Persian)
- Shahabi, M., Aflak Seyr, A., Mollazadeh, J. (2014). Predicting marital adaptation based on Five Big Factors of Personality and Emotional Intelligence. Master's Thesis. Faculty of Education and Psychology. Shiraz University. (In Persian)
- Shahvari, S., Amanollahi, A. & Abbaspour, Z. (2015). The relationship between communication performance and sexual satisfaction by mediating of marital satisfaction, communication, self-disclosure, and sexual anxiety. Master Thesis. Faculty of Education and Psychology. Shahid Chamran University of Ahwaz. (In Persian)
- Sinha, P.S. & Mukerjoe N. (2005). Marital adjustment and space orientation. *The journal of social Psychology*, 130 (5) 633- 639
- Tirgari, A., et al. (2004). Comparison of Emotional Intelligence and Marital Satisfaction Levels and their Structural Relationship in Maladaptive Couples and Adjustable Couples in Sari. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 16, 55. (In Persian)
- Verma, A. S. (2015). Emotional Intelligence and Marital Status: A Study on IT Professionals in India. *ASBM Journal of Management*, 8(1).
- Yaripour, A. (2000). Investigating the Effect of Family Counseling Interventions Plan on Divorce Records in the Courts of Justice of Qom. Master Thesis Not Published. Department of Clinical Psychology. Islamic Azad University of Roodehen. (In Persian)

- Yarmohammadian, A., Bonakdar Hashemi, N. & Asgari, K. (2011). The Effect of Emotional Intelligence Training and Life Skills on Marital Adjustment of Young Couples. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 12, 2 (44). (In Persian)
- Zarenejad, H., Rahmati, A. & Musavinasab, S.M.H. (2016). Simple and multiple relation of sexual self-disclosure and sexual discomfort with couples' burnout with mediating role of marital conflict. Master Thesis. Faculty of Literature and Humanities. Shahid Bahonar University of Kerman. (In Persian)